

دو فصلنامه علمی پژوهشی کتاب قیم
سال چهارم (۱۳۹۳)، شماره یازدهم

ارتباط جهان‌بینی انسان با تعاملات مالی او از دیدگاه قرآن کریم

نصرت نیل‌ساز^۱

نهله غروی نائینی^۲

راضیه میرزائی قلم‌خانی^۳

چکیده

از آنجا که مسائل مالی از جمله مهم‌ترین مسائل در هر جامعه است که رشد فردی و اجتماعی افراد در گرو نظام‌مند بودن آن است و از سوی دیگر، هر انسانی بر مبنای باورها و جهان‌بینی خود، دارای ایدئولوژی و عملکرد خاصی در این حوزه است، قرآن کریم علاوه بر تعیین حدود و تبیین مقررات در حوزه اموال، در کنار اشاره به مسائل مالی، بر دو اصل توحید و معاد برای ایجاد ضمانت اخلاقی اجرای آن حدود و مقررات تأکید کرده است. قرآن جلوه‌های مختلف توحید مانند: توحید در مالکیت و رازقیت خداوند، توحید در تشریح و توحید صفات خداوند را در کنار مباحث مالی مطرح کرده و به تأثیر بینش توحیدی بر تربیت، روزی و تعاملات مالی انسان اشاره کرده است. همچنین، در مباحث مالی قرآن، ابعاد تربیتی معاد مانند یادآوری معاد، تهدید با اشاره به عذاب اخروی و اشاره به بازتاب اخروی برخی تعاملات مالی نیز به صورت مبسوط، تبیین شده است.

واژگان کلیدی: قرآن کریم، احکام مالی، جهان‌بینی، توحید، معاد.

۱. استادیار دانشگاه تربیت مدرس تهران (نویسنده مسئول) / nilsaz@modares. ac. ir

۲. استاد دانشگاه تربیت مدرس تهران / naeeni_n@modares. ac. ir

۳. دانش‌آموخته ارشد علوم قرآن و حدیث از دانشگاه تربیت مدرس تهران / r.mirzaieglam@yahoo.com

۱- مقدمه و طرح مسأله

اسلام همانطور که در اعتقادات انسان تحوّل عمیق ایجاد کرده و انسان مشرک را به پرستش خداوند و ایمان به غیب دعوت نموده، برای زندگی صحیح در دنیا و سعادت‌مندی همه‌جانبه، برنامه‌ای جامع در حوزه‌های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و جز آن ارائه کرده است. یکی از برجسته‌ترین این مباحث، مسائل مالی است که هرچند از ابتدای نزول قرآن، مورد توجّه قرار گرفته، ولی در مباحث مطرح در دو برهه نزول سوره‌های مکی و مدنی تفاوت‌هایی وجود دارد. دلایل عمده این تفاوت‌ها از طرفی، ریشه در تفاوت بافت جمعیتی و به تبع آن، تفاوت در باورها و عملکردها و از طرف دیگر، استقرار حکومت در مدینه و در پی آن، مساعد شدن شرایط طرح احکام تفصیلی دارد.

در برهه نزول سوره مکی، به اقتضای بافت جمعیتی که اکثریت آنان مشرک و اسلام‌ستیز بودند و شمار تازه‌مسلمانان اندک بود، بیشتر آیات ناظر به جنبه‌های اعتقادی و باوری است تا از یک سو، باورهای باطل مشرکان را ردّ کند و از سوی دیگر، اعتقادات تازه‌مسلمانان را راسخ و استوار سازد. ولی در برهه نزول سوره مدنی، با افزایش شمار مسلمانان و استقرار حکومت اسلامی، شرایط طرح حدود و مقررات و پیگیری عمل به آنها فراهم آمد. به همین دلیل است که می‌توان گفت: آیات قرآن پس از ایجاد جهان‌بینی مورد نیاز، به تعیین حدود و تبیین مقررات پرداخته‌اند.

جهان‌بینی به معنای تفسیر و تحلیل جهان و برداشت کلی از مجموع عالم هستی است که مبنا و زیرساز عمل انسان واقع می‌شود و به نیروی اندیشه و قدرت ارزیابی او از مجموع هستی بستگی دارد و با توجه به این که «همه آیین‌ها و همه مکتب‌ها و فلسفه‌های اجتماعی خواه ناخواه بر نوعی جهان‌بینی متکی هستند» (مطهری، ۱۳۸۷، ج ۳، صص ۲۳-۲۶)؛ ادیان آسمانی هم پس از ارائه یک جهان‌بینی درست و واقعی، یک عقیده یا ایدئولوژی متناسب با آن و مناسب با زندگی در چنین جهانی را به دست و فکر مردم می‌سپارند (سید قطب، ۱۳۸۸، ص ۲۲).

ارتباط تنگاتنگ میان جهان‌بینی انسان با عملکرد او از سویی و اصل اساسی بودن توحید و معاد در جهان‌بینی اسلامی از سوی دیگر، نشان می‌دهد که یکی از راه‌های مهم در تحوّل جامعه جاهلی به جامعه اسلامی، دگرگونی در نگرش‌ها و رفتارهای مالی آنها با استوارسازی اعتقاد به توحید و معاد است، تا از این رهگذر، بستر عمل به احکام مالی اسلام مهیا شود. این مقاله به بررسی تأثیر باور به توحید و معاد در ضمانت اجرایی احکام مالی قرآن می‌پردازد و به

این سؤال پاسخ می‌دهد که باور به این دو اصل اعتقادی چگونه و چه تأثیری بر تعاملات مالی انسان‌ها و اجرای احکام مالی اسلامی دارد؟

۲- توحید

اولین پایه جهان‌بینی و ایدئولوژی اسلامی توحید است و قواعد دیگر اسلام بر آن استوارند (همان، صص ۳۰۹، ۳۱۱). روح توحید در اخلاق نیکویی که این دین به آن سفارش می‌کند ساری و روح اخلاق نیکو در اعمالی که افراد جامعه را بدان تکلیف فرموده جاری است (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۴، ص ۱۰۹). بنابراین، ملاحظه می‌شود که ارزش‌های اخلاقی و رفتاری در صورتی که مبتنی بر توحید باشد، ضمانت اجرایی می‌یابد.

واژه «توحید» به معنای تنها قرار دادن چیزی است (زبیدی، ۱۴۱۴، ج ۵، ص ۲۹۸) و در اصطلاح، به معنای ایمان به خداوند یگانه و نفی شریک از اوست (خلیل بن احمد، ۱۴۱۰، ج ۳، ص ۲۸۱/ ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۳، ص ۴۵۰/ زبیدی، همان، ص ۳۰۰).

دانشمندان علم عقاید، توحید را در چهار مرتبه خلاصه کرده‌اند: ۱- توحید ذاتی؛ ۲- توحید صفاتی؛ ۳- توحید افعالی؛ ۴- توحید عبادی (مطهری، ۱۳۸۷، ج ۲، صص ۹۹-۱۰۴/ مکارم شیرازی، ۱۳۶۸، ج ۳، ص ۲۳۹).

توحید افعالی درک این معناست که جهان با همه نظام‌ها و سنن، فعل خدا و ناشی از اراده اوست و هر فاعل و سببی، حقیقت، وجود و تأثیر خود را از او دارد و قائم به اوست (مطهری، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۱۰۲). صاحب‌نظران مهم‌ترین اقسام توحید افعالی را توحید در خالقیت، ربوبیت، مالکیت و حاکمیت تکوینی، تشریح و قانون‌گذاری، طاعت، حاکمیت، رازقیت و ولایت دانسته‌اند (جوادی آملی، ۱۳۸۵ «ب»، صص ۴۰۰-۴۳۲/ مکارم، ۱۳۶۸، ج ۳، صص ۳۲ و ۲۴۱/ سبحانی، بی‌تا، صص ۲۳-۳۳).

۲-۱- جلوه‌های توحید

در بسیاری از آیات مشتمل بر مباحث مالی، به جنبه‌های مختلف توحید مانند توحید در مالکیت و رازقیت، تشریح و قانون‌گذاری و توحید صفات به عنوان اساس یک عمل مالی یا بینش مالی اشاره شده تا از یک سو، خط بطلان بر بسیاری از باورهای غلط مالی بکشد و از سوی دیگر، نگرش‌هایی شایسته را در ذهن و روح افراد جامعه شکل دهد و زمینه را برای تعاملات مالی صحیح اسلامی فراهم کند.

۲-۱-۱- توحید در مالکیت و رازقیت

مالکیت در جهان هستی به دو صورت حقیقی و اعتباری است. مالکیت حقیقی از آن خداوند است و مالکیت انسان نسبت به دارایی‌هایش، مالکیتی اعتباری است که خداوند آن را در اختیارش گذاشته است.

قرآن برای حفظ انتظام زندگی انسان و بقای انسجام جامعه، مالکیت اعتباری را به رسمیت شناخته است (جوادی آملی، ۱۳۸۵ «ب»، ص ۴۱۷). بنابراین، در مسائل اقتصادی که بر پایه روابط اجتماعی تنظیم می‌شود، هر کس از راه مشروع، مالی کسب کند مالک آن است، اما در رابطه انسان‌ها با خداوند، ملک و مالک، همه ملک خدا هستند (هم‌او، ۱۳۸۵ «الف»، ج ۱، ص ۳۹۵).

بر اساس آیات قرآن کریم، دلیل تفاوت رزق انسان‌ها، سنت ابتلاء و آزمایش (الانعام: ۱۶۵) و تنبّه (الأعراف: ۱۳۰ / ۷) است. همچنین، نیازهای انسان در دنیا به اندازه‌ای متنوع و زیاد است که فرد فرد انسان‌ها نمی‌توانند همه آنها را در زندگی خود، برآورده سازند. از این‌رو، می‌کوشند تا از طریق به خدمت گرفتن یکدیگر و یا با تعاون در زندگی اجتماعی آنها را تأمین کنند (الزخرف: ۳۲ / ۴۳). تفسیر این آیه را نک. طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۸، ص ۱۰۰ / سید قطب، ۱۴۱۲، ج ۵، ص ۳۱۸۷). از سوی دیگر، بر اساس آیه ۲۷ سوره شوری، طغیان آدمی در صورت وسعت و کثرت رزق از جمله علل تفاوت روزی‌هاست (طبری، ۱۴۱۲، ج ۲۵، ص ۲۰).

طغیان، غرور، تمرد، بخل و حسد حالت‌هایی نفسانی هستند که غالباً، از باور انسان نسبت به مالکیت حقیقی اموال تحت تصرفش، نشأت می‌گیرند؛ در حالی که باور به توحید باعث می‌شود صفا، صمیمیت، انفاق و ایثار جایگزین اینگونه حالت‌های منفی شود (مکارم شیرازی، ۱۳۶۸، ج ۳، ص ۳۲۱). از این‌رو، در آیات بسیاری، به مالکیت و رازقیت خداوند، اشاره شده تا ضمانت اعتقادی اجرای تعاملات مالی مناسب در جامعه فراهم آید.

در قرآن کریم با تعبیر «مغانم» (النساء: ۹۴ / ۴)، «خزائن» (الحجر: ۲۱ / ۱۵) یا «مقالید» (الزمر: ۶۳ / ۳۹)، بعد از مباحثی چون روحیه غنیمت‌جویی انسان، یادآوری روزی‌های الهی و ربوبیت خداوند (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۷، ص ۲۸۸) و یا با واژه‌هایی از ریشه «ملک» (آل عمران: ۲۶ / ۳)، به مالکیت خداوند اشاره شده است.

آیات متضمن رازقیت خداوند زمانی در قالب حصر (طه: ۱۳۲ / ۲۰؛ الذاریات: ۵۱ / ۵۷-۵۸) و یا بدون حصر (الأعراف: ۱۶۰ / ۷؛ الانعام: ۱۴۲ / ۶) و گاه به اجمال (الاعلی: ۸۷ / ۴؛ القصص: ۵۷ / ۸۷) و گاه به تفصیل (الرعد: ۱۳ / ۳-۴؛ الحجر: ۱۵ / ۱۹-۲۰) مطرح شده‌اند. در چند آیه

نیز تعبیر ﴿خَيْرُ الرَّازِقِينَ﴾ آمده است (السبأ: ۳۴ / ۳۹؛ المؤمنون: ۲۳ / ۷۲).

رازقیت خداوند چنان اهمیت دارد که گاهی در قالب جمله خبری، (السبأ: ۳۴ / ۳۶) و گاه در قالب استفهام انکاری (الزمر: ۳۹ / ۵۲ و نک. دروزه، ۱۳۸۳، ج ۴، ص ۳۳۵) عدم تعقل و تفکر در روزی‌ده بودن خداوند، نکوهش شده است.

همچنین، یادآوری نعمت در برخی آیات، به صورت موجز (المدثر: ۷۴ / ۱۲؛ الأعراف: ۷ / ۱۰ و ۳۲) و در برخی آیات، به گونه تفصیلی آمده است (الانعام: ۶ / ۶؛ الکهف: ۱۸ / ۳۲؛ ابراهیم: ۱۴ / ۳۲-۳۴).

برای تصحیح بینش انسان‌ها در حوزه اموال، قرآن تأکید می‌کند که انسان اختیاری در روزی‌دادن ندارد و تنها خداوند روزی‌دهنده است (طه: ۲۰ / ۱۳۲) که هر دو گروه دنیاطلب و آخرت‌جو را بهره‌مند می‌کند (الإسراء: ۱۷ / ۲۰)؛ ولی انسان‌ها پس از بهره‌مندی، مُنعم اصلی را فراموش می‌کنند و با از دست‌دادن نعمت، بی‌تاب و ناامید می‌شوند (همان / ۸۳).

مالکیت و رازقیت خداوند در برخی آیات دیگر، در سیاق‌هایی مانند مزد نخواستن پیامبران در برابر ابلاغ رسالت (المؤمنون: ۲۳ / ۷۲)، اعطای رزق نیکو به شهیدان (الحج: ۲۲ / ۵۸)، بهتر بودن آنچه نزد خداوند است از لهُو و تجارت (الجمعه / ۱۱) و خرده‌گیری منافقان بر تقسیم غنایم (التوبه: ۹ / ۵۸-۵۹ و ۷۴) مطرح شده است.

در حوزه عمل نیز برای ایجاد ضمانت التزام به اوامر و نواهی الهی، باز هم بر مالکیت و رازقیت خداوند تصریح و تأکید می‌شود. انسان‌ها باید با یادآوری این‌که خداوند بعد از نداری، بی‌نیازشان کرده، نیازمندان را نرانند (الضحی: ۹۳ / ۸-۱۰)، ولی در انفاق هم از افراط و تفریط پرهیز کنند (الإسراء: ۱۷ / ۲۹-۳۰) و با توجه به روزی‌های پاکیزه‌ای که خداوند برای بهره‌مندی آنان ارزانی داشته، از زیاده‌روی و فساد دوری گزینند (طه: ۲۰ / ۸۱)، فرزندان‌شان را از بیم تنگ‌دستی نکشند (الإسراء: ۱۷ / ۳۱) و از حرام‌کردن روزی‌های حلال خودداری کنند (المائدة: ۸۷ / ۵) و به فرمان ذبح شرعی چارپایان در حج و خوردن و خوراندن به درمانده مستمند از آن (الحج: ۲۲ / ۲۸) و خوردن از روزی‌های پاک (المائدة: ۵ / ۸۸) گردن نهند.

بی‌تردید، این نگرش که طبیعت با تمام ثروت‌ها و منابعش، به عنوان امانت به انسان سپرده شده و مالکیت حقیقی همه چیز در دست خداست نقش مؤثری در ترغیب به مشارکت در خدمات اجتماعی و انفاق و بازدارندگی از برخی رفتارهای ناپسند، مانند بخل، دارد.

به همین دلیل، در چندین آیه که از انفاق سخن به میان آمده (النحل: ۱۶ / ۷۵؛ ابراهیم: ۱۴

۳۱ و ...) به رازقیت خداوند نیز اشاره شده است؛ زیرا با اعتقاد به این‌که رزق و روزی به

دست بهترین روزی دهندگان است، انسان‌ها از پر شدن جای ثروت انفاق شده اطمینان می‌یابند (السبأ: ۳۴ / ۳۹) و با این باور که خداست که بی‌نیاز می‌کند و سرمایه می‌بخشد، انفاق را از دست رفتن مال تلقی نمی‌کنند (النجم: ۵۳ / ۳۴، ۴۸).

خداوند تنگ‌چشمان را به خاطر بخل از بذل مالی که خداوند در اختیارشان قرار داده، نکوهش و تهدید می‌کند (آل عمران: ۳ / ۱۸۰) و در سوره توبه، عده‌ای را معرفی می‌کند که در زمان نداری، با توجه به مالکیت و رازقیت خداوند، از او درخواست بهره‌مندی دارند تا به پشتوانه آن، به دیگران کمک رسانند؛ ولی به محض استجاب دعا، بخل می‌ورزند (التوبه: ۹ / ۷۵-۷۶).

بخل منافی این باور توحیدی نیز هست که سرمایه‌ها و ثروت‌ها فضل خداوند است که در دسترس انسان قرار داده و نه ملک آنها که هرگونه بخواهند در آن، تصرف کنند و بخل بورزند (طالقانی، ۱۳۶۲، ج ۵، ص ۴۳۶). پس، یکی از طرق مبارزه با بخل، توجه به اصل مالکیت خداوند است که در آیات مختلف قرآن کریم از جمله: (آل عمران: ۳ / ۱۸۰؛ النساء: ۴ / ۳۷؛ النجم: ۵۳ / ۴۸؛ ...) آمده است.

بی‌توجهی به مالکیت و رازقیت خداوند انسان را تا جایی پیش می‌برد که در مقابل دعوت به قرض دادن به خداوند، خود را غنی و خداوند را فقیر (آل عمران: ۳ / ۱۸۱) و دست‌بسته (المائده: ۵ / ۶۴) می‌خواند یا برای تصاحب اموال دیگران، به او نسبت بی‌دینی می‌دهد (النساء: ۴ / ۹۴) و یا این‌که برای مبارزه با پیامبر(ص)، به سلاح ایجاد تنگناهای اقتصادی، متوسل می‌شود (المنافقون: ۷ / ۶۳).

۲-۱-۲- توحید در تشریح

از جمله اقسام توحید افعالی، که در حوزه اموال نمودی چشمگیر دارد، توحید در تشریح است. جامعه جاهلی احکام و مقرراتی در زمینه‌های مختلف مالی مانند ارث، ذبح و غیره، داشت و قرآن با استناد به این‌که تشریح تنها از آن خداست، آن احکام را باطل و در حوزه‌های مختلف، احکامی را برای اداره امور جامعه وضع کرد. با پذیرش و عمل بر اساس حدود و مقررات این حوزه، تعاملات مالی جامعه از مشکلات ناشی از تفکرات بشری مصون می‌ماند. موضوع انفاق از مهم‌ترین مباحث مالی مرتبط با اجتماع است که قرآن به دو صورت واجب و مستحب بدان اهتمام ورزیده تا فاصله طبقاتی از میان برود (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۳۸۳). تشریح وجوهات واجب که فرد موظف به پرداخت آنهاست- مانند زکات و خمس-

به دلیل تفاوت در میزان بهره‌مندی‌هاست و یا مانند کفّاره و فدیة از برخی قصورها نشأت می‌گیرد.

خداوند در کنار برپا داشتن نماز، مسلمانان را به پرداخت زکات فرمان داده است (البقره: ۲/ ۱۱۰) و پیامبر(ص) را هم به اخذ آن امر کرده (التوبه: ۹/ ۱۰۳) تا بدین وسیله، آنها از دنیاپرستی و بخل، پاک شوند و نهال سخاوت و روحیه توجه به حقوق دیگران در آنها پرورش یابد و از این گذشته، مفاسدی که در جامعه به سبب فقر و فاصله طبقاتی به وجود آمده با انجام این فریضه، برچیده شود و صحنه‌ی اجتماع از این آلودگی‌ها پاک گردد (ر.ک. مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۸، صص ۱۱۷-۱۱۸). زکات به فقیران، مساکین، متصدیان امور زکات و کسانی که باید محبتشان جلب شود، تعلق می‌گیرد. آزادی بردگان، پرداخت قرض بدهکاران، به وطن رساندن مسافر در راه مانده و صرف در راه خداوند، یعنی همه مصالح مسلمانان، از جمله مصارف زکات است (التوبه: ۹/ ۶۰).

در زمینه خمس هم اشاره شده که یک پنجم غنایم و یا هر مال بازیافته، از آن خدا و رسول و خویشاوندان و یتیمان و مسکینان و در راه‌ماندگان از خاندان آن حضرت است (الأنفال: ۸/ ۴۱ و نیز نک. قمی، ۱۳۶۷، ج ۱، ص ۲۷۸/ عیاشی، ۱۳۸۰، ج ۲، ص ۶۱/ کلینی، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۵۳۹).

خداوند اشاره کرده هر کس توانایی روزه گرفتن ندارد، باید به عنوان فدیة، طعامی به نیازمندی بخوراند (البقره: ۲/ ۱۸۴ و نیز نک. قمی، ۱۳۶۷، ج ۱، ص ۶۶/ کاشانی، ۱۳۳۶، ج ۱، ص ۲۲۰/ طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۱۱) و فدیة تراشیدن سر به دلیل بیماری قبل از موعد مشخص در حج، روزه یا صدقه و یا قربانی کردن است (البقره: ۲/ ۱۹۶). فدیة گرفتن برای آزاد کردن اسیر (محمد: ۴۷/ ۴) و در مورد قتل غیر عمد (النساء: ۴/ ۹۲) نیز جایز است.

کفّاره صید در حال احرام قربانی کردن حیوان حلال گوشت نظیر همان شکار، یا به میزان قربانی مساکین را خوراندن و یا به ازای هر دو مُد^۱ طعام، یک روز روزه گرفتن (المائده: ۵/ ۹۵ و نک. کلینی، ۱۳۶۳، ج ۴، ص ۸۵) است. کفّاره در ظهار، (المجادله: ۵۸/ ۳-۴) و شکستن سوگند راستین، (المائده: ۵/ ۸۹) هم واجب است.

تعابیری نظیر «انفاق»، «قرض الحسنه»، «صدقه»، «جهاد با مال» و «خوراندن»، دال بر انفاق مستحب دانسته شده است و آیاتی که کلمات زکات و صدقه دارند با مراجعه به روایات و

۱. هر مد معادل ۷۵۰ گرم است.

تفاسیر، مطابقتشان بر جنبه و جوب یا استحباب مشخص می‌شود.

در آیات قرآن، علاوه بر فرمان به انفاق (ابراهیم: ۱۴ / ۳۱، البقره: ۲ / ۱۹۵، ۲۵۴، ۲۶۷؛ الحديد: ۵۷ / ۷؛ الطلاق: ۶ / ۶ و ...) و اشاره به جنبه توصیفی انفاق برای عده‌ای خاص (البقره: ۲ / ۲؛ آل عمران: ۳ / ۱۷ و ۱۳۴؛ الأنفال: ۳ / ۸؛ الحج: ۳۵ / ۲۲) مانند عباد الرحمن (الفرقان: ۲۵ / ۶۷) و توکل‌کنندگان (الشوری: ۳۸ / ۴۲)، جنبه تشویق و ترغیب به انفاق نیز به صورت برجسته‌ای مطرح شده است.

مفهوم خوراندن و دستگیری هم که دارای جنبه‌های امری (النحل: ۱۶ / ۹۰؛ الحج: ۲۲ / ۲۸، ۳۶)، تشویقی (البلد: ۹۰ / ۱۲-۱۶؛ المدثر: ۷۴ / ۴۲-۴۴) و توصیفی (الذاریات: ۵۱ / ۱۹؛ الإنسان: ۷۶ / ۸) است در کنار واژه‌های صدقه (البقره: ۲ / ۲۶۴، ۲۷۱، ۲۷۶)، قرض الحسنه (البقره: ۲ / ۲۴۵؛ الحديد: ۵۷ / ۱۱ و ۱۸؛ التغابن: ۶۴ / ۱۷) و جهاد با مال (البقره: ۲ / ۱۹۵؛ الأنفال: ۸ / ۶۰؛ التوبه: ۹ / ۴۱)، هم مشاهده می‌شود.

نفس اجتماعی زندگی کردن اقتضا می‌کند که در میان افراد جامعه، تعاملات مالی مختلف، جریان داشته باشد. اسلام برای قانونمند کردن آنها، از تضييع حقوق دیگران تحت عناوین رشوه (البقره: ۲ / ۱۸۸)، ربا (آل عمران: ۳ / ۱۳۰)، خوردن مال یکدیگر به باطل (النساء: ۴ / ۲۹)، سرقت (المائده: ۵ / ۳۸)، خیانت در امانت (الأنفال: ۸ / ۲۷) و ... نهی کرده و برای تحکیم معاملات، چندین دستور مهم، مانند مکتوب کردن و گرفتن شاهد در معاملات ملت‌دار، مطرح کرده است (البقره: ۲ / ۲۸۲-۲۸۳) تا به هر فرد مؤمنی شرایط و حدود آن را بشناساند و راه نفوذ ربا، بهره‌کشی، سود مضاعف و اختلافات، بسته شود و راه روابط اقتصادی سالم و گردش عادلانه ثروت باز باشد (طالقانی، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۲۶۵).

قرآن علاوه بر اشاره به دستگیری یتیمان (الفجر: ۱۷ / ۸۹؛ الضحی: ۹ / ۹۳؛ البلد: ۱۴ / ۹۰-۱۵) و عدم تصرف در اموال آنها (الإسراء: ۱۷ / ۳۴؛ الأنعام: ۶ / ۱۵۲)، افراد را به ارتباط مالی با یتیم، نظیر ارتباط دو برادر با حقوق اجتماعی برابر (البقره: ۲ / ۲۲۰)، باز پس دادن اموالشان با حفظ شرایط (النساء: ۴ / ۲-۶)، و احسان و کمک مالی به آنها (البقره: ۲ / ۱۷۷ و ۲۱۵؛ النساء: ۴ / ۸ و ۳۶) سفارش کرده است. همچنین، قرآن برای اجتماع حقوقی مقرر داشته است؛ بدین صورت که سهمی از منافع اموال و عایدات افراد را به عنوان صدقات واجب که همان زکات باشد و به عنوان خمس غنیمت و یا هر مال باز یافته، (الأنفال: ۸ / ۴۱ و نک. عیاشی، ۱۳۸۰، ج ۲، ص ۶۱ / جرجانی، ۱۴۰۴، ج ۱، صص ۳۱۹-۳۲۰) به اجتماع اختصاص داده (علمچی، ۱۳۸۱، ص ۱۲۱) تا در راه دستگیری از یتیمان، مورد استفاده قرار دهند.

از دیگر مباحث مالی مرتبط با جامعه، باید و نبایدها در حوزه چارپایان و کشتزارها و حلال و حرام‌ها، تأکید بر تأمین نیازهای مالی جهاد و نیز دستاوردهای مالی جنگ است. در آیات قرآن، اشاره شده که مشرکان بدون اذن الهی و یا با دروغ بستن به خداوند، رزق الهی را به حلال و حرام تقسیم می‌کردند (یونس: ۱۰/ ۵۹)، حال آن‌که خداوند در قالب فعل امر که مراد اباحه است، به خوردن از گوشت حیوانات حلال گوشت ذبح شرعی شده فرمان داده (طوسی، بی تا، ج ۴، ص ۲۵۱) و از خوردن غیر آن، نهی می‌کند (الأنعام: ۱۱۸-۱۲۱). برای جداکردن محرّمات الهی از بدعت‌هایی (الأنعام: ۱۳۶-۱۳۹؛ النحل: ۱۶/ ۵۶) که مشرکان ساخته‌اند، مردار، خون، گوشت خوک و حیوانات حلال گوشت ذبح شرعی نشده حرام دانسته شده‌اند (البقره: ۲/ ۱۷۳؛ الأنعام: ۱۴۵/ ۶؛ النحل: ۱۶/ ۱۱۵ و در المائده: ۳/ ۵ با تفصیل بیشتر).

استقرار حکومت اسلامی، نیاز به توان دفاعی مسلمانان برای حراست از کیان اسلام و نظام اسلامی در برابر تعرّضات و لزوم تأمین زمینه مناسب برای جنگ‌های آینده بستر نزول آیات مربوط به جهاد و شهادت شد، از جمله، آیات مشتمل بر دستورهای مربوط به تأمین مالی جنگ (جوادی آملی، ۱۳۸۵ «الف»، ج ۲، صص ۵۷ و ۱۷۰). برخی آیات، دنیاگرایی را که به سبب دل‌بستگی‌های دنیوی، از جهاد شانه خالی می‌کنند به گذشت از مال و جان دعوت می‌کند (التوبه: ۹/ ۴۲). نکوهش دنیاگرایی و مقایسه آن با آخرت‌جویی (النساء: ۷۷-۷۸) نیز قطعاً، در ریشه‌کن ساختن این روحیه که تأثیر مخرب بر حفظ امنیت جامعه اسلامی دارد، مؤثر است. در آیات دیگری هم به دستاوردهای مالی جنگ، که شامل غنایم جنگی (الأنفال: ۸/ ۱، ۴۱، ۶۹؛ الفتح: ۴۸/ ۱۹-۲۱)، فدیة اسیر (البقره: ۲/ ۸۵؛ الأنفال: ۸/ ۶۷؛ محمد: ۴۷/ ۴) و تصرف سرزمین (الأحزاب: ۳۳/ ۲۷؛ الحشر: ۵۹/ ۶-۷) است اشاره شده که باید در جهت منافع عمومی سامان‌دهی شود.

در حوزه خانواده هم، قوانین جامعی در مورد ارث، وصیت و مهریه تشریح شده است. اسلام برای فرد مسلمان در تصرف اموالش، استقلال کامل قائل شده است (ابوالعلاء، ۱۴۰۶، ص ۳۷۳)؛ اما برای قانونمند شدن این تصرف که وصیت، مهریه، نفقه و ... نمودهای آن است، در تعدادی آیات به تشریح احکام در این حوزه‌ها پرداخته تا در قدم نخست، سبب استحکام بنیان خانواده و در قدم بعدی موجب ثبات جامعه شود.

با توجه به پایداری شدن حقوق برخی وارثان در جاهلیت، (جوادی علی، ۱۴۲۲، ج ۱۰، صص ۲۳۴-۲۳۵) در چندین آیه (النساء: ۴/ ۷، ۱۱، ۱۲، ۱۷۶)، در سایه تشکیل حکومت اسلامی و امکان احقاق حقوق، به مبحث ارث پرداخته شده و با تأکید بر وصیت کردن و

شرایط آن، حقوق هر یک از وارثان نیز تعیین شده است. خداوند با تأیید روش جاری مردم در دادن مهریه به همسرانشان (النساء: ۴ / ۴ و نک. طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۴، ص ۱۶۹)، میزان مهریه را در شرایط مختلف، بیان می‌کند (البقره: ۲ / ۲۳۶ و ۲۳۷) و تأمین هزینه زندگی را هم به عهده مرد می‌گذارد (النساء: ۴ / ۲۴-۲۵، ۳۴).

۲-۱-۳- توحید صفات

توحید صفات به این معناست که همه صفت‌های الهی به حقیقت واحدی که همان ذات اوست، برمی‌گردد (مکارم شیرازی، ۱۳۶۸، ج ۳، ص ۲۴۱). اشاره به صفاتی مانند علم و غنای الهی در مباحث مالی قرآن مشهود است. توجه به علم و آگاهی خداوند از طرفی، انسان را نسبت به تقدیرات الهی، مطیع (الشوری: ۲۷ / ۴۲) و از طرف دیگر، با ایجاد ضمانت عدم نابودی و فراموشی رفتار و اعمال و پاداش‌یابی مناسب، محرک فرد در انجام اوامر و ترک نواهی الهی است.

واژه‌های «علیم»، «خبیر» و «بصیر» دلالت بر علم الهی دارند که در تشویق به کار خیر (البقره: ۲ / ۲۱۵)، انفاق (البقره: ۲ / ۲۷۳)، پرداخت زکات (البقره: ۲ / ۱۱۰)، جهاد با مال (الأنفال: ۸ / ۷۲) و امانت‌داری (النساء: ۴ / ۵۸) و پس از طرح قوانین در حوزه‌های وصیت و ارث (النساء: ۴ / ۱۱)، نحوه تعامل با اموال یتیمان (البقره: ۲ / ۲۲۰)، احکام دیون مدت‌دار و قرضی (البقره: ۲ / ۲۸۲-۲۸۳)، دیه و فدیة (النساء: ۴ / ۹۲)، طلاق (البقره: ۲ / ۲۳۷) و شیردهی (البقره: ۲ / ۲۳۳) آمده‌اند.

بعد از اشاره به این‌که چه بسیار جاندارانی که نمی‌توانند متحمل روزی خود شوند و این خداست که آنها و شما را روزی می‌دهد (العنکبوت: ۲۹ / ۶۰) و پس از اشاره به افکار و اعمال خرافی در مورد بهره‌برداری از چارپایان (الأنعام: ۶ / ۱۳۹) و پیگیری اهداف مادی با نسبت بی‌دینی به دیگران دادن (النساء: ۴ / ۹۴) و نیز پس از وعده بی‌نیازی در پی ترس از فقر به دلیل محدودیت‌های اقتصادی با مشرکان (التوبه: ۹ / ۲۸) و پس از بحث ازدواج (النور: ۲۴ / ۳۲)، علم الهی مطرح شده است.

در تشویق به انفاق، بعد از بیان بهتر بودن سخن شایسته از صدقه همراه با اذیت (البقره: ۲ / ۲۶۳) و نهی از انفاق اموال خبیث (البقره: ۲ / ۲۶۷) و نهی از بخل (الحدید: ۵۷ / ۲۴)، به غنی بودن خداوند اشاره شده است.

۲-۲- آثار بینش توحیدی

از نظر قرآن، بینش توحیدی تأثیر بسزایی بر تربیت، تعاملات مالی و روزی انسان‌ها دارد.

۲-۲-۱- تأثیر بینش توحیدی بر تربیت

خداوند در قرآن بیان کرده که تقوا (الشعراء: ۲۶ / ۱۳۲-۱۳۳)، رستگاری (الأعراف: ۷ / ۶۹)، زدوده‌شدن ترس (القصص: ۲۸ / ۵۷)، برگزیده‌شدن و هدایت‌یافتن (النحل: ۱۶ / ۱۲۱) و افزوده‌شدن نعمت (ابراهیم: ۷ / ۱۴) آثار یادآوری نعمت‌های الهی است. توجه به آیات متضمن مالکیت و رازقیت خداوند نتایج دارد که یکی از مهم‌ترین آنها، ایجاد و یا تقویت باور به توحید و نفی شرک است.

بر اساس قرآن یکی از نشانه‌های ربوبیت خدا، تدبیر روزی مردم و تغذیه آنها با میوه‌ها و حبوبات، (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۷، ص ۸۵) و آفرینش چارپایان و تحت خدمت بودنشان است (یس: ۳۶ / ۷۱-۷۳ و ۳۳-۳۵). یکی از ادله قرآن بر بطلان پرستش بتها هم این است که آنها مالک رزقی برای انسان‌ها نیستند و خداوند مالک رزق است؛ پس باید رزق را از او طلب کرد و تنها او را پرستید (العنکبوت: ۱۷ / ۲۹)؛ زیرا اگر خدا روزی خود را دریغ بدارد، چه کسی به جای او روزی می‌دهد و اگر آب به زمین فرو رود، چه کسی در روی زمین آب جاری می‌سازد؟ (الملک: ۶۷ / ۲۱، ۳۰) از این‌رو، خداوند پس از برشمردن انواع بهره‌مندی‌هایی که در اختیار انسان قرار داده، اشاره می‌کند که کافران با وجود علم به انواع نعمت‌های الهی، به جای تسلیم، به انکار روی می‌آورند (النحل: ۱۶ / ۸۳).

عموم انسان‌ها (آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۱۵، ص ۲۴۸) باید با تأمل در نعمت‌ها تدبیر ربوبی را مشاهده کنند (طبری، ۱۴۱۲، ج ۳۰، ص ۳۶ / طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۲۰، ص ۲۰۸)، نعمت‌هایی مانند غذا، آب، انواع رویدنی‌های زمین از دانه‌ها، انگور، سبزی و ... (عبس: ۸۰ / ۲۴-۳۲) و توجه داشته باشند که خداوندی که نیازهای جسمی و روحی را برطرف می‌کند شایسته پرستش است (قریش: ۳ / ۱۰۶-۴).

۲-۲-۲- تأثیر بینش توحیدی بر تعاملات مالی

یکی از ضمانت‌های قوی در اجرای فرامین الهی در همه حوزه‌ها از جمله حوزه مالی، ایمان به خداوند است. به همین دلیل، حضرت شعیب (ع) پس از دعوت به توحید، ضرورت دوری از کم‌فروشی را یادآوری (الشعراء: ۲۶ / ۱۸۱-۱۸۳) و ضمانت اجرای آن را ایمان مطرح

می‌کند (الأعراف: ۷/ ۸۵)؛ ولی قوم آن حضرت (طوسی، بی‌تا، ج ۶، ص ۴۹) دین را در تقابل با دنیاخواهی می‌یابند و از آن سرباز می‌زنند (هود: ۱۱/ ۸۷).

آری؛ غفلت از یاد خدا ممکن است انسان را به مرحله‌ای برساند که به خاطر حفظ ریاست و بهره‌مندی‌های مالی، به کتمان آیات تعیین‌کننده حلال و حرام (آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۴۴۱/ طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۴۲۶) پردازد (ر.ک. البقره: ۲/ ۱۷۴؛ آل عمران: ۳/ ۱۸۷) یا این‌که بررفته‌ای را به خداوند نسبت دهد (البقره: ۲/ ۷۹) در حالی که مؤمنان خاشع با گردن‌نهادن به نهی الهی در خصوص معامله نکردن آیات الهی به بهای ناچیز (البقره: ۲/ ۴۱؛ النحل: ۱۶/ ۹۵) از این اعمال ناپسند برکنارند (آل عمران: ۳/ ۱۹۹) و تعلقات دنیایی که در برهه‌ای از زمان هدف ایشان بود در پرتو ایمان واقعی، در نظرشان رنگ باخته است (الأعراف: ۷/ ۱۱۳-۱۲۱).

با توجه به این‌که ایمان به رازقیّت خداوند، پشتوانه‌ای محکم در هنگام برخورد با مشکلات است، مؤمنانی که قصد هجرت در راه خداوند دارند نباید به خاطر رزق و روزی نگران باشند، زیرا خداوند هم به جنیدگانی که رزق خود را ذخیره نمی‌کنند و هم به آنها روزی می‌دهد (العنکبوت: ۲۹/ ۶۰ و نیز ر.ک. طوسی، بی‌تا، ج ۸، ص ۲۲۲). بدین ترتیب، ادعای ایمان، زمانی پذیرفتنی است که در همه رفتارهای فرد بازتاب یابد (الممتحنه: ۶۰/ ۱۲) و فرد با گردن‌نهادن به حکم انفال، پذیرش مشمولین دریافت خمس (طوسی، بی‌تا، ج ۵، ص ۱۲۵/ فخرالدین رازی، ۱۴۲۰، ج ۱۵، ص ۴۸۶) و پرداخت خمس مال (الأنفال: ۸/ ۱، ۴۱ و نک. طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۹، ص ۸۹) و نیز با ادای زکات (النساء: ۴/ ۱۶۲؛ الحج: ۲۲/ ۴۱)، ایمان خود را نشان دهد.

از همین روست که مبحث انفاق در مفهوم گسترده آن پیش از تشریح زکات واجب (سید قطب، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۴۰) در کنار ایمان به خداوند مطرح شده است؛ به این دلیل که یکی از عملکردهای مؤمنان انفاق خالصانه (النساء: ۴/ ۳۹؛ الحديد: ۷/ ۵۷) با سمت و سوی الهی است (البقره: ۲/ ۱۶۵، ۲۶۵، ۲۷۲؛ الأنفال: ۸/ ۶۰؛ التوبه: ۹/ ۹۹). از سوی دیگر، هزینه کردن مال برای بازداشتن مردم از راه خداوند (الأنفال: ۸/ ۳۶)، اندوختن طلا و نقره و انفاق نکردن آن (التوبه: ۹/ ۳۴)، فرار از جهاد با مال (التوبه: ۹/ ۴۵)، نپرداختن زکات (التوبه: ۹/ ۷۶)، انفاق از روی کراهت (التوبه: ۹/ ۵۴، ۸۱)، مایه خسارت دانستن انفاق (التوبه: ۹/ ۹۸) و انفاق ریاکارانه (النساء: ۴/ ۳۸) از فقدان یا ضعف ایمان نشأت می‌گیرد و این امر سبب می‌شود اگر انفاقی هم صورت گیرد، مورد پذیرش خداوند قرار نگیرد (التوبه: ۹/ ۵۴).

۲-۲-۳- تأثیر بیش‌توحیدی بر روزی

کافران می‌پنداشتند که اگر بر آیین پدران خویش که شامل پرستش بتها بود باقی بمانند، صاحب مال و فرزند می‌شوند (طوسی، بی‌تا، ج ۷، ص ۱۴۶) و ایمان به خداوند برای آنان شوم و بدیمن و پذیرش معبودان متعدّد، مبارک و میمون است (مریم: ۱۹/۷۷؛ نیز ر.ک. طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۴، ص ۱۰۳).

قرآن با ردّ این پندار، یادآور می‌شود که کفر و رویگردانی از یاد خداوند، آفت‌هایی همچون تنگی در معیشت (طه: ۱۲۴/۲۰) یا بهره‌مندی از امکانات دنیوی که به دنبال آن عذاب و دوزخ خواهد بود (هود: ۴۸/۱۱) و یا نابودی اسباب بهره‌مندی (السبا: ۱۶-۱۷) را در پی دارد، ولی تمتّع حاصل شده از ایمان (الصفات: ۳۷/۱۴۸) مواهبی همچون: توبه و طلب آموزش (هود: ۱۱/۳)، تقوا (الطلاق: ۶۵/۲-۳) و کامیابی دنیوی را به دنبال دارد و حتی سبب بهره‌مندی فرزندان نیز می‌شود (الکهف: ۱۸/۸۲).

کیفیت اعمال انسان‌ها در نظام طبیعت نیز مؤثر است؛ زیرا ایمان و تقوای جوامع و نوع انسان و نه تنها تعدادی اندک از آنان، زمینه‌گشایش درهای برکات دانسته شده است (الأعراف: ۹۶/۷؛ نیز ر.ک. طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۸، ص ۲۰۱). بر این اساس، اگر اهل کتاب به دستورهای تورات و انجیل و آنچه از جانب پروردگار به سویشان نازل شده عمل می‌کردند و به معارف آن، معتقد می‌شدند از نعمت‌های آسمانی و زمینی بهره‌مند می‌گردیدند (المائدة: ۵/۶۶). از سوی دیگر، به استناد آیاتی از قرآن کریم، اعمالی مانند گرفتن ربا و خوردن مال مردم به‌ناحق، سبب تحمیل محرومیت‌های اقتصادی و مادی بر همه یهودیان شده است (النساء: ۴/۱۶۰).

۳- معاد

معاد از ماده «عود» (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۳، ص ۳۱۵/ راغب، ۱۴۱۲، ص ۵۹۳) و به معنی «بازگشتگاه» است (ابن منظور، همان، ص ۳۱۷). این واژه در معنای اصطلاحی، به معنای بازگشت همه مردم به سوی خداوند و به یک اعتبار، بازگشت همه مردم به سوی اعمال و رفتار و کردار خودشان است (مطهری، ۱۳۸۷، ج ۲۷، ص ۳۵۸) و اعتقاد به آن، یکی از ارکان مهم جهان‌بینی اسلام است.

یقین به عالم برزخ و حساب و کتاب و بهشت و دوزخ، عاملی اساسی در جهت کنترل و هدایت انسان است (مظاهری، ۱۳۶۴، ص ۲۸). رسالت معاد این است که انسان را در پرتو ترس از عقاب و طمع به رحمت حق، بر ترک معاصی و انجام عمل صالح وادارد (راجی،

۱۳۸۷، ص ۱۹): زیرا اگر اعتقاد به معاد نباشد، هیچ انگیزه مهم دیگری برای بازداشتن فرد از پیروی هوای نفس و دست کشیدن از بهره‌های طبیعی نفسانی وجود نخواهد داشت (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۴، ص ۱۱۱). حتی صرف اعتقاد به ربوبیت مطلق خداوند نیز در تهذیب روح چندان مؤثر نیست؛ اما اگر انسان خود را در برابر رب العالمین مسئول دانست و معتقد بود که روزی باید پاسخ‌گویی همه کارهایش باشد، این اعتقاد در جهت تهذیب و تزکیه جان او مؤثر است (جوادی آملی، ۱۳۸۵ «الف»، ج ۱، ص ۳۹۱).

۳-۱- ابعاد تربیتی معاد

بر اساس آیات قرآن، تکذیب روز قیامت و ثواب و عقاب (طبری، ۱۴۱۲، ج ۳۰، ص ۲۰۰) علت خودداری از تشویق به خوراندن مسکینان و به تعبیر قرآن، منع «ماعون» است (الماعون: ۱۰۷ / ۱-۷). مفسران «ماعون» را منافع (طبری، ۱۴۱۲، ج ۳۰، ص ۲۰۳)، زکات واجب (طوسی، بی تا، ج ۱۰، ص ۴۱۶) یا آنچه از اسباب منزل که مردم از یکدیگر قرض می‌گیرند (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱۰، ص ۸۳۴) دانسته‌اند. همچنین، انگیزه صرف همت در جمع مال و شمردن آن (الهمزه: ۱۰۴ / ۲-۳) و ساخت قصرهای استوار (الشعراء: ۲۶ / ۱۲۹) امید به زندگی جاودانه در این جهان است. اما در مقابل، باور به معاد محرک مؤمنان در دستگیری از دیگران می‌باشد (المؤمنون: ۲۳ / ۶۰).

در برخی آیات، پس از اشاره به مبحثی مالی، بعدی از ابعاد تربیتی معاد مانند: یادآوری معاد، تهدید به عذاب اخروی، اشاره به سود نبخشیدن مال در قیامت، بازتاب آخرتی تعاملات مالی، مقایسه دو گروه دنیاطلب و آخرت‌جو و ... مطرح شده است که در ادامه به بررسی این موارد پرداخته می‌شود.

۳-۱-۱- یادآوری معاد

قرآن کریم در کنار اشاره به مباحثی مانند احساس بی‌نیازی، دنیاپرستی، مالاندوزی، بخل، آرزوی بهره‌مندی و کم‌فروشی، برای مخاطبان خود، وجود معاد را یادآوری کرده است تا نشان دهد که این رذایل اخلاقی و لغزش‌های عملی زاییده فراموشی معاد است. در یک مورد، پس از اشاره به تأثیر احساس بی‌نیازی بر طغیان، برای آگاه ساختن، فرجام طغیان که همان مرگ و بعث است یادآوری شده است (العلق: ۹۶ / ۶-۸). در جای دیگر، پس از بیان علاقه شدید انسان به دنیا، زمان برانگیخته شدن از قبر را یادآوری و اشاره می‌کند که آیا انسان به خاطر

کفران نعمت‌ها و علاقه فراوان به مال، نمی‌داند چه عقوبت‌هایی دارد (العادیات: ۸-۹). باز، به دنبال اشاره به این‌که فردی پس از انفاق اندک، از ترس فقر، دست از آن کشید، بیان شده که نتیجه کوشش او بزودی دیده می‌شود؛ سپس، هرچه تمام‌تر، پاداش می‌یابد و سرانجام، به سوی خداوند است (النجم: ۵۳/۳۳-۴۲).

آری، سرانجام انسان‌ها با تمام دارایی‌هایشان، مرگ است و کسی را یارای گریز از آن نیست (مریم: ۱۹/۷۴). پس آرزوی بهره‌مندی موقت هم دردی را دوا نمی‌کند (الشعراء: ۲۶/۲۰۵-۲۰۷)؛ زیرا پس از بهره‌مندی، بازگشت به سوی خداوند خواهد بود (یونس: ۱۰/۲۳، ۷۰). بنابراین، انسان در آنچه خدا به او عطا کرده، باید آخرت را طلب کند (القصص: ۲۸/۷۷) و با توجه به قانون حتمی بودن مرگ در مورد همه - حتی قدرتمندان و ثروتمندان - از دست قدرت الهی غفلت ننماید (القصص: ۲۸/۷۸) و توجه کند که یقین به برانگیخته شدن بعد از مرگ، برای دوری از محرمات کافی است (المطففین: ۸۳/۱-۶ و نیز ر.ک. طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۲۰، ص ۲۳۱).

۳-۱-۲- تهدید به عذاب اخروی

در برخی آیات، متنبه‌ساختن مخاطبان نسبت به اندیشه‌ها و اعمال منفی در حوزه مالی در قالب تهدید به عذاب اخروی، مطرح شده است. قرآن کریم این پندار را که مال، عامل جاودانگی است مردود می‌شمارد و کافران را به پرتاب شدن در آتش افروخته تهدید می‌کند (الهمزه: ۴/۱۰۴) و پس از انکار تصوّر تأثیر کفر در افزونی دارایی، افزایش عذاب را به آنان وعده می‌دهد (مریم: ۱۹/۷۹). باید به یاد داشت که از طرفی، هر بهره‌مندی نباید انسان را شاد کند، زیرا گاهی عذاب و جهنم در پی آن است همان‌گونه که طایفه‌ای از نسل نجات‌یافتگان کشتی نوح (ع)، از دنیا بهره بردند، ولی سرانجامشان آتش جهنم بود (هود: ۱۱/۴۸). کفار نیز جز متاعی اندک که سرانجامش بازگشت به خدا و عذاب شدید است، چیزی به دست نمی‌آورند (یونس: ۱۰/۷۰). حال که چنین است، آنها را باید به حال خود رها کرد تا با تمام شدن مهلت اندکشان، دوزخ و عذاب، آنها را در برگیرد (المزمل: ۷۳/۱۱-۱۳). آری؛ سرانجام نازپروردگان گنهکار منکر معاد (الواقعه: ۵۶/۴۷-۴۱)، دنیاطلبان و دنیا دوستان (هود: ۱۱/۱۵-۱۶) و به‌بازی گیرندگان دین و فریفته‌شدگان دنیا (الأنعام: ۶/۷۰) عذاب دوزخ است.

۳-۱-۳- سود ندادن مال و دارایی در قیامت

یکی دیگر از ابعاد تربیتی معاد، تصریح به سود ندادن مال در قیامت است. از جمله، در سوره «مسد»، در قالب استفهام انکاری (زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۴، ص ۸۱۴)، به سود نبخشیدن مال ابولهب در برابر عذاب الهی، اشاره شده است. در آیه ۸۸ شعراء، به صورت استطرادی (سیوطی، ۱۳۸۰، ج ۳، ص ۲۸۰)، در ادامه دعای حضرت ابراهیم، روز قیامت چنین وصف شده است: ﴿يَوْمَ لَا يَنْفَعُ مَالٌ وَلَا بَنُونَ﴾؛ «روزی که مال و فرزندان سود نبخشند». در آیه ۱۰ سوره آل عمران هم در قالب نفی ابد، به سود ندادن ثروت اشاره شده است؛ زیرا اگر مال و اولاد می‌توانست کسی را حتی اندکی از عقوبت (طبری، ۱۴۱۲، ج ۳، ص ۱۲۷) و عذاب الهی (طوسی، بی تا، ج ۲، ص ۴۰۳) بی‌نیاز سازد، فرعونیان را بی‌نیاز می‌ساخت؛ ولی خداوند آنان را هلاک کرد. پس، دارایی به هر میزان هم که فراوان باشد، باز در قیامت، سودی ندارد (آل عمران: ۳ / ۹۱). دستاوردهای اصحاب حجر (الحجر: ۱۵ / ۸۴)، مشرکان (غافر: ۴۰ / ۸۲) و بخیلان (اللیل: ۹۲ / ۱۱) در زمان عذاب و هلاکت، فایده‌ای برایشان ندارد و منافقان هم که فعالیت‌هایشان به انگیزه کسب متاع دنیا است، در آخرت، از اموال خود بهره‌ای نخواهند برد، (المجادله: ۵۸ / ۱۷) و سرانجام، سود ندادن ثروت در قیامت، مطلبی است که مجرمان (الحاقه: ۲۸ / ۶۹) در قیامت، به آن اقرار می‌کنند.

۳-۱-۴- اشاره به بازتاب برخی تعاملات مالی در آخرت

یکی از راه‌های مؤثر در اصلاح اندیشه‌ها و عملکردهای مربوط به حوزه مال مانند بخشش و بخل، گرفتن ربا و تصرف اموال مردم و ... آگاهی از بازتاب آنها در قیامت است که در ادامه به این موارد با تفصیل بیشتر اشاره خواهد شد.

۳-۱-۴-۱- بخشش و بخل

قرآن کریم به پرداخت زکات در کنار ایمان به معاد (النمل: ۲۷ / ۳؛ لقمان: ۳۱ / ۴) و نپرداختن زکات در کنار انکار معاد (فصلت: ۴۱ / ۷) اشاره کرده و با یادآوری مبحث معاد (البقره: ۲ / ۲۵۴؛ ابراهیم: ۱۴ / ۳۱؛ منافقون: ۶۳ / ۱۰) مؤمنان را به انفاق فرامی‌خواند. همچنین، با ترسیم بازتاب کمک مالی و خودداری از آن در آخرت، روحیه گشاده‌دستی را تقویت می‌کند. انسان هر کار خیری از قبیل پرداخت زکات و اعطای قرض الحسنه برای خود پیش فرستد، آن را در قیامت (طبری، ۱۴۱۲، ج ۲۹، ص ۸۹)، به بهترین صورت و با بزرگ‌ترین پاداش،

خواهد یافت (المزمل: ۲۰ / ۷۳).

بخشش اموال همراه با تقوا و باور به معاد، سبب ورود در بهشت و دورماندن از آتش می‌شود؛ ولی بخل‌ورزیدن و خودداری از کمک‌کردن به دیگران، سبب ورود به جهنم (ق: ۵۰ / ۲۴-۲۵؛ اللیل: ۹۲ / ۵-۱۸؛ نیز ر.ک. طوسی، بی‌تا، ج ۱۰، ص ۳۶۳) و عذابی خوارکننده می‌شود (النساء: ۳۷ / ۴) و اطعام نکردن مستمندان از عوامل ورود به جهنم است (المدثر: ۷۴ / ۴۲-۴۴). واژه «بخل» به معنای خودداری از دادن چیزی به مستحق است و از تکبر و فخرفروشی نشأت می‌گیرد (ر.ک. النساء: ۴ / ۳۶-۳۷؛ الحديد: ۵۷ / ۲۳-۲۴). این خصلت در هر فردی - اعم از کافر، مشرک و مسلمان - وجود دارد. در آیات قرآن، اشاره شده که مال‌هایی که از بخشش آن، بخل ورزیده شده باشد همچون حلقه زنجیری وبال گردن صاحب خود خواهند شد و با همان‌ها، بر بدن او داغ زده خواهد شد (آل عمران: ۳ / ۱۸۰؛ التوبه: ۹ / ۳۴).

از سوی دیگر در قرآن کریم، با تعبیر مختلفی، از پاداش انفاق در کنار اعمال شایسته دیگر یاد شده است. سکونت جاودانه در غرفه‌های بهشتی و دریافت تحیت (الفرقان: ۲۵ / ۷۵-۷۶)، سود تضمین شده و فضل افزون بر پاداش کامل (فاطر: ۳۵ / ۲۹-۳۰)، دریافت پاداشی دوچندان (القصص: ۲۸ / ۵۴)، گرامی‌بودن در بهشت (المعارج: ۷۰ / ۳۵)، فرجام خوش در سرای باقی (الرعد: ۱۳ / ۲۲)، پاداشی مطابق با بهترین عمل (التوبه: ۹ / ۱۲۱؛ النور: ۲۴ / ۳۸)، پوشیده شدن گناهان و ورود در بهشت (المائدة: ۵ / ۱۲) و ... برخی تعبیر قرآنی مربوط به این پاداش‌ها هستند.

خداوند برای نهادینه‌کردن روحیه انفاق در بین مردم، علاوه بر وعده پاداش به انفاق‌کننده، افرادی را که با استهزای انفاق‌کنندگان در جهت محو روحیه انفاق از جامعه پیش می‌روند به عذاب دردناک و محرومیت از آمرزش تهدید می‌کند (التوبه: ۹ / ۷۹-۸۰).

۳-۱-۴-۲- گرفتن ربا و تصرف اموال مردم

ربا در لغت از ریشه «ربو» و در اصل به معنای زیادت است (خلیل بن احمد، ۱۴۱۰، ج ۸، ص ۲۸۳ / ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۴، ص ۳۰۵) و در اصطلاح، به معنای زیاده‌گیری در قرض یا در معامله کالایی است که با وزن یا پیمانه، به فروش می‌رسد (طوسی، بی‌تا، ج ۲، ص ۳۵۹).

ربا عنصری است که در نگرش اقتصاد معاصر، عامل رشد به شمار می‌رود، در حالی که از دیدگاه اسلام، عامل عقب‌ماندگی و نابودی بنیان اقتصادی است؛ به این دلیل که از طرفی، شکاف اقتصادی را گسترده‌تر و عمیق‌تر می‌سازد و از طرف دیگر، باعث کاهش فعالیت‌های

تجاری و رکود اقتصادی می‌گردد (ایروانی، ۱۳۸۴، صص ۱۳۹-۱۴۰).

تصرف اموال مردم و رباخواری، آثار زیان‌باری مانند نابودی توده فقیر و جمع شدن اموال نزد سرمایه‌داران دارد که زمینه را برای هرج و مرج و فساد نظام جامعه و در نهایت، هلاکت انسان و نابودی تمدن فراهم می‌کند (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۲، صص ۴۲۹-۴۳۰). از این رو، برخی آیات با بیان کیفر اخروی، زمینه دوری از این اعمال را فراهم می‌آورند.

خداوند رباگیران را از آتش دوزخ می‌ترساند (آل عمران: ۱۳۰-۱۳۱) و سرانجام پافشاری بر آن را سبب خلود در جهنم اعلام می‌کند (البقره: ۲/۲۷۵) و افراد مال مردم‌خوار را وعده ورود به جهنم می‌دهد (النساء: ۴/۱۰، ۲۹-۳۰).

کافرانی از یهود که رباخواری کرده و اموال مردم را تصرف می‌کنند، عذاب دردناکی در پیش دارند (النساء: ۴/۱۶۱) و احبار و رهبانان نصرانی و یهودی هم به سبب استثمار مردم و مبادرت به احتکار و از حرکت انداختن چرخ اقتصاد، عذاب دردناک متناسب با اعمالشان را پیش‌رو دارند (التوبه: ۹/۳۴-۳۵).

۳-۱-۴-۳- معامله آیات الهی به بهای اندک

پیامد اخروی معامله آیات الهی به بهای اندک که از عملکردهای اهل کتاب و مشرکان است (التوبه: ۹/۹)، در برخی آیات بیان شده تا ریشه چنین عملی خشکانده شود. افراد اهل کتابی که پیمان الهی مبنی بر پیروی از پیامبر اکرم (ص) و قرآن را رها کرده و سوگندهای دروغین برای خیانت در امانت می‌خورند تا بدین وسیله، بهایی اندک به دست آرند (طبری، ۱۴۱۲، ج ۳، ص ۲۲۸)، در آخرت، هیچ نصیبی ندارند؛ خداوند در آن روز با آنان سخن نمی‌گوید، به ایشان نمی‌نگرد، پاکشان نمی‌گرداند و عذابی دردناک خواهند داشت (آل عمران: ۳/۷۷).

کسانی هم که با نوشتن کتاب و نسبت دادن آن به خداوند در پی منافع اقتصادی هستند به عذاب، حزن، اندوه و خواری، تهدید می‌شوند (البقره: ۲/۷۹ و نیز ر.ک. فخرالدین رازی، ۱۴۲۰، ج ۳، ص ۵۶۵ / طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۲۱۵). حقیقت کتمان آنچه خدا نازل کرده با انگیزه کسب منافع مادی، پیامدهایی نظیر آتش در شکم کردن، مورد بی‌مهری الهی قرار گرفتن، پاک نشدن، عذاب دردناک و دریافت عذاب به جای آمرزش است (البقره: ۲/۱۷۴-۱۷۵)؛ اما اجر الهی از آن کسانی است که در نقطه مقابل این‌گونه افراد، قرار دارند (آل عمران: ۳/۱۹۹).

۳-۱-۴-۴- نازپروردگی، دنیاطلبی و فریفتگی به دنیا

به دلیل مخرب بودن روحیه نازپروردگی، دنیاطلبی و فریفتگی به دنیا، در قرآن کریم با یادآوری عذاب اخروی، از این خصلت‌های ناپسند، نهی می‌شود. نازپروردگان گناهکار، در قیامت در زمرة «اصحاب شمال» هستند که در باد گرم و آب داغ و سایه‌ای از دود تار، قرار می‌گیرند (الواقعه: ۵۶ / ۴۱-۴۶). در دنیا هم اینگونه افراد و اقوام وقتی سرگرم تنعم بودند، هلاکت آنها را در برگرفت (القصص: ۲۸ / ۵۸) و دچار عذاب شدند (المؤمنون: ۲۳ / ۶۴). دنیاطلبان هم هرچند در دنیا مقداری بهره‌مند می‌شوند، ولی در نهایت، خوار و مطرود، وارد جهنم می‌شوند (الإسراء: ۱۷ / ۱۸) و جایگاهشان آتش خواهد بود (یونس: ۱۰ / ۷-۸) و در حقیقت، جز آتش برای آنان چیز دیگری در آخرت وجود ندارد (هود: ۱۱ / ۱۶) و عذاب بزرگ و شدید (النحل: ۱۶ / ۱۰۶) و محرومیت از نعمت‌های الهی (الأعراف: ۷ / ۵۰-۵۱) در انتظارشان است.

فریفته‌شدن به دنیا علاوه بر این که در آخرت، عذاب دردناک (الأنعام: ۶ / ۷۰) و رویگردانی خداوند را به دنبال دارد (الجاثیه: ۴۵ / ۳۴-۳۵) در دنیا نیز باعث بی‌توجهی انسان‌ها به آیات الهی و مسأله معاد می‌شود (الأنعام: ۶ / ۱۳۰).

۳-۱-۵- استفاده از مقایسه

از آنجا که سنت قرآن بر این است که با مقایسه برخی مفاهیم، تفاوت‌ها را چشمگیرتر و آشکارتر نماید، در برخی آیات الهی، بهره‌مندی دنیاطلبان و آخرت‌جویان و یا دنیا و آخرت در کنار یکدیگر مطرح شده‌اند و در برخی آیات دیگر، پس از بیان نتایج دنیوی و اخروی اعمال دنیاپرستان، به بهره‌مندی مؤمنان در آخرت اشاره شده، تا با آشکارتر کردن تفاوت‌ها، اندیشه‌ها و تعاملات مالی مثبت را در جامعه نهادینه کند.

۳-۱-۵-۱- دو گروه دنیاطلب و آخرت‌جو

برای ردّ اندیشه کافران که به بهره‌مندی‌های دنیوی، دلخوش بودند و آن را دلیل بر بهره‌مندی نزد خدا می‌دانستند، (دروزه، ۱۳۸۳، ج ۴، ص ۴۵۵) در قرآن کریم، اشاره شده که خداوند به بندگانش بر حسب مشیت، روزی می‌دهد. کسانی که آخرت را می‌خواهند و برای آن، تلاش می‌کنند از دنیا به آنان می‌دهد و بر آخرتشان نیز می‌افزاید و کسانی که دنیا را می‌خواهند و برای آن، کار می‌کنند کافی است که از بخشی از دنیا برخوردارشان کند و در

آخرت، بهره‌ای نداشته باشند (الشوری: ۴۲ / ۲۰؛ نیز ر.ک. طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۸، ص ۴۱).
 بر اساس آیات قرآن، خداوند به دنیاطلبان، تنها آنچه می‌خواهند، می‌دهد - آن هم به میزانی که خود بخواهد و به هرکس که او خواسته باشد؛ ولی در نقطه مقابل، هر کس با ایمان درونی، همّت خود را متوجّه آخرت کند خداوند عمل چنین کسانی را به بهترین وجه، می‌ستاید (الإسراء: ۱۷ / ۱۸-۱۹) و سرانجام دنیاخواهان عذاب جهنم و فرجام خداترسان و افراد گریزان از هوای نفس، تنعم در بهشت است (النازعات: ۷۹ / ۳۷-۴۱).
 خداوند مؤمنان را مخاطب قرار داده (آل عمران: ۳ / ۱۴۵؛ نیز ر.ک. طبری، ۱۴۱۲، ج ۴، ص ۷۶) که هر کس از جهاد خود، قصد غنیمت داشته باشد به او می‌دهیم و هر کس با جهاد خود ثواب آخرت بجوید، آن را به او می‌دهیم (زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۴۲۴ / طبرسی، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۲۰۹)، ولی شاکرین بیرون از دو طایفه یاد شده فقط در جهت کسب رضایت الهی هستند و به دنیا و آخرت کاری ندارند (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۴، ص ۴۰).
 در سوره نساء هم اشاره شده که با توجه به این که پاداش و سعادت دو جهان در اختیار خداست، کوتاه‌نظری است که انسان فقط به دنیا اکتفا کند (النساء: ۴ / ۱۳۴).

۳-۱-۵-۲- مقایسه ماهیت دنیا و آخرت

در قرآن کریم، با اشاره به دو نکته بهتر بودن و پایدار بودن آخرت، مقایسه‌ای میان بهره‌مندی‌های دنیا با آخرت صورت گرفته است و مردم به خاطر عدم تعقل در تفاوت‌های بین بهره‌مندی در دنیا و آخرت، نکوهش شده‌اند (الأنعام: ۶ / ۳۲؛ الاعراف: ۷ / ۱۶۹). در این کتاب مقدس، اندوخته‌های دنیا با مفاهیم: آخرت (النحل: ۱۶ / ۳۰)، دار الآخرة (الأنعام: ۶ / ۳۲)، اجر الآخرة (النحل: ۱۶ / ۴۱)، ما عند الله (النحل: ۱۶ / ۹۶)، ثواب الله (القصص: ۲۸ / ۸۰)، فضل الله (یونس: ۱۰ / ۵۸)، رحمت خداوند (یونس: ۱۰ / ۵۸)، رزق پروردگار (طه: ۲۰ / ۱۳۱) و باقیات صالحات (الکهف: ۱۸ / ۴۶) مقایسه شده است که برخی بدون وجه مقایسه (الزخرف: ۴۳ / ۳۵) می‌آیند؛ ولی برخی دیگر با وجوه مقایسه همراهند.

در مقام مقایسه، برای بیان دوام آخرت و نعمت‌هایش در مقابل دنیا از الفاظ «باقی» (طه: ۲۰ / ۱۳۱)، «دار القرار» (غافر: ۴۰ / ۳۹)، «حَيَوَان» (زندگی حقیقی) (العنکبوت: ۲۹ / ۶۴)، «باق» (النحل: ۱۶ / ۹۶) و برای بیان بهتر بودن، لفظ «خیر» (الأنعام: ۶ / ۳۲) به تنهایی و یا همراه واژه‌های ﴿خَيْرٌ عِنْدَ رَبِّكَ ثَوَابًا وَ خَيْرٌ مَرَدًّا﴾ (مریم: ۱۹ / ۷۶) و ﴿خَيْرٌ عِنْدَ رَبِّكَ ثَوَابًا وَ خَيْرٌ

أَمْلاً ﴿الکھف: ۱۸ / ۴۶﴾ استفاده شده است. گاهی نیز «نیکویی» و «بادوام بودن» آخرت در کنار هم مطرح شده‌اند (الاعلی: ۸۷ / ۱۶-۱۷).

در آیه ۲۴ سوره یونس، بتفصیل، ناپایداری دنیا در قالب استعاره تمثیلی (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۰، ص ۳۸) مطرح شده و در آیه ۴۵ سوره کھف این تمثیل به اجمال آمده است. از دیدگاه قرآن، دنیا فقط به عنوان متاع و وسیله‌ای برای به دست آوردن آخرت است (الرعد: ۱۳ / ۲۶؛ نیز ر. ک. طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۱، ص ۳۴۸). دنیا فریبنده است (الحدید: ۵۷ / ۲۰)، حال آن‌که عاقبت نیکو نزد خداوند است و لذا یزد و لذایذ و نعمت‌های اخروی به سبب جاودانه بودن، از بهره‌مندی‌های دنیوی بهتر است (آل عمران: ۳ / ۱۴-۱۵).

خداوند علاوه بر این‌که دنیا و بهره‌مندی‌هایش را با آخرت و برخورداری‌های آن مقایسه می‌کند، حتی گاه پاداشی را که در دنیا عطا کرده نیز با پاداش آخرت به مقایسه می‌گذارد؛ زیرا پاداش آخرتی از دنیوی بهتر است، چون برخلاف دنیا، زوال‌ناپذیر است و نعمتش آمیخته با نعت و سعادتش همراه با شقاوت نیست (النحل: ۱۶ / ۳۰ و ۴۱؛ نیز ر. ک. طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۲، ص ۲۳۵).

۳-۱-۵-۳- مقایسه میان بهره‌مندی‌های کافران در دنیا با بهره‌مندی‌های مؤمنان در

دنیا و آخرت

در برخی از آیات قرآن کریم، پس از اشاره به نتایج دنیوی و اخروی اعمال دنیاپرستان، به بهره‌مندی مؤمنان در دنیا و آخرت اشاره شده تا وجدان‌های بیدار با مقایسه آنها، راه را از بی‌راهه بازشناسند. در سوره قلم (۶۸)، پس از بیان کیفیت دنیوی و اخروی باغدارانی که برای محروم کردن نیازمندان از محصولات باغ خود، برنامه‌ریزی کردند، تصریح شده که مسلمانان و گنهکاران در بهره‌مندی از نعمت‌های بهشتی برابر نیستند (طبری، ۱۴۱۲، ج ۲۹، ص ۲۳). برای پرهیزگاران، نزد خداوند باغ‌های پر از ناز و نعمت است (القلم: ۶۸ / ۳۴-۳۵) و آنها در سایه‌بان‌ها، چشمه‌ساران، میوه‌های دل‌خواهشان و خوردن و آشامیدن دور از هر رنج و مشقت، متنعم هستند (المرسلات: ۷۷ / ۴۱-۴۳)؛ ولی بهره‌مندی گنهکاران در دنیا اندک (المرسلات: ۷۷ / ۴۶) و بسان چارپایان است (محمد: ۴۷ / ۱۲).

هرچند نیکوکرداران در دنیا هم متنعم هستند (النحل: ۱۶ / ۳۰، ۴۱)؛ ولی با توجه به تفاوت‌های دنیا و آخرت، سرای آخرت برای مؤمنان و پرهیزگاران بهتر است، زیرا همین نعمت‌های دنیایی که امروز، مؤمن و کافر در آن شریک‌اند در آخرت، مختص مؤمنان است

(طبری، ۱۴۱۲، ج ۸، ص ۱۲۲) و بر کافران فریفته به دنیا، حرام خواهد بود (الأعراف: ۷ / ۳۲، ۵۰-۵۱، ۱۶۹). فریفتگان به دنیا که به تمسخر مؤمنان می‌پردازند از این امر غافل هستند که در قیامت، پرهیزگاران از آنان برتر خواهند بود (البقره: ۲ / ۲۱۲) و از کردارشان قدردانی می‌شود (الإسراء: ۱۷ / ۱۹) و به باغ‌هایی پُر ناز و نعمت، به وسعت آسمان و زمین وارد می‌شوند (الحديد: ۵۷ / ۲۱) که از زیر آن، نهرها روان است (آل عمران: ۳ / ۱۹۸) و با پاداشی دوچندان، در غرفه‌های بهشتی (السبا: ۳۴ / ۳۷) برای همیشه (آل عمران: ۳ / ۱۹۸)، آسوده خاطر، در خواهند آمد؛ حال آن‌که دنیاطلبان، پس از تلذذ به دنیا، خوار و مطرود، به جهنم وارد خواهند شد (الإسراء: ۱۷ / ۱۸) و جایگاهشان آتش خواهد بود (آل عمران: ۳ / ۱۹۷).

حال، باید در قالب استفهامی، همه وجدان‌ها را مورد خطاب قرار داد که آیا با توجه به تمام توصیفاتی که از بهشت وعده داده شده به پرهیزگاران و جهنم در انتظار گنهکاران بیان شده (الرعد: ۱۳ / ۳۵؛ محمد: ۴۷ / ۱۵)، منتعمین به دنیا با کسانی که به وعده‌های نیکویی که به آنان داده شده می‌رسند، برابرند؟ (القصص: ۲۸ / ۶۱)

نتیجه‌گیری

از این تحقیق نتایج ذیل بدست آمد:

۱. به دلیل اهمیت بسزای مسائل مالی، از ابتدای نزول قرآن همپای دعوت به توحید و نفی شرک، جنبه‌های اعتقادی و باوری این حوزه مورد اشاره قرار گرفته است.
۲. برای اصلاح تعاملات مالی منفی و نهادینه کردن تعاملات مثبت در جامعه، باید در جهان‌بینی افراد تغییری شگرف ایجاد کرد تا از طرفی، پذیرش و از طرف دیگر، التزام به آن محقق شود. همه این‌ها تنها در سایه دمیده شدن روح ایمان به توحید و معاد در تک‌تک افراد جامعه میسر می‌شود.
۳. آیات قرآن با مبتنی کردن مباحث مالی بر جنبه‌های مختلف توحید مانند: توحید در مالکیت و رازقیت، تشریح و قانون‌گذاری و توحید صفات، بدان‌ها ضمانت اجرایی داده است.
۴. بینش توحیدی تأثیری چشمگیر بر تربیت، تعاملات مالی و روزی انسان دارد.
۵. از آنجا که اعتقاد به معاد یکی از مهم‌ترین ارکان جهان‌بینی اسلامی است در برخی آیات مشتمل بر مباحث مالی، بُعدی از ابعاد تربیتی معاد مانند: یادآوری معاد، تهدید به عذاب اخروی، سود ندادن مال و دارایی در قیامت، بازتاب برخی تعاملات مالی در آخرت مطرح شده تا محرک انسان‌ها بر التزام به فرامین مالی الهی باشد.

منابع و مأخذ

- قرآن کریم.

۱. آلوسی، محمود بن عبدالله؛ روح المعانی؛ بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵ ق.
۲. ابن منظور، محمد بن مکرم؛ لسان‌العرب؛ ج ۳، بیروت: دار صادر، ۱۴۱۴ ق.
۳. ابوالعلاء، عادل محمد صالح؛ خصائص السور والآیات المدتیة؛ بیروت: موسسه علوم القرآن، ۱۴۰۶ ق.
۴. ایروانی، جواد؛ اخلاق اقتصادی از دیدگاه قرآن و حدیث؛ مشهد: دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ۱۳۸۴ ش.
۵. جرجانی، ابوالفتوح بن مخدوم؛ آیات الاحکام؛ تهران: انتشارات نوید، ۱۴۰۴ ق.
۶. جواد علی؛ الفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام؛ ج ۴، بی‌جا: دارالساقی، ۱۴۲۲ ق / ۲۰۰۱ م.
۷. جواد آملی، عبدالله؛ تفسیر تسنیم؛ قم: مرکز نشر اسراء، ۱۳۸۵ ش، «الف».
۸. ———؛ توحید در قرآن؛ ج ۲، قم: مرکز نشر اسراء، ۱۳۸۵ ش، «ب».
۹. خلیل بن احمد فراهیدی، عبد الرحمن؛ العین؛ ج ۲، قم: انتشارات هجرت، ۱۴۱۰ ق.
۱۰. دروزه، محمد عزه؛ التفسیر الحدیث؛ قاهره: دار احیاء الکتب العربیه، ۱۳۸۳ ق.
۱۱. راجی، علی؛ ابعاد تربیتی معاد؛ ج ۲، قم: انتشارات زائر، ۱۳۸۷ ش.
۱۲. راغب اصفهانی، حسین بن محمد؛ المفردات فی غریب القرآن؛ تحقیق صفوان عدنان داودی؛ دمشق و بیروت: دارالعلم - الدارالشامیه، ۱۴۱۲ ق.
۱۳. زبیدی واسطی، سیدمحمد مرتضی؛ تاج العروس؛ تحقیق: علی شیری، بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۴ ق / ۱۹۹۴ م.
۱۴. زمخشری، محمود بن عمر؛ الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل؛ ج ۳، بیروت: دارالکتب العربی، ۱۴۰۷ ق.
۱۵. سبحانی تبریزی، جعفر؛ التوحید والشک فی القرآن؛ بیروت: دارالتعارف للمطبوعات، بی‌تا.
۱۶. سید قطب، بن ابراهیم شاذلی؛ فی ظلال القرآن؛ ج ۱۷، بیروت و قاهره: دارالشروق، ۱۴۱۲ ق.
۱۷. ———؛ ویژگی‌های جهان‌بینی اسلامی؛ ترجمه: سیدمحمد خامنه‌ای؛ تهران: تولید کتاب (تک)، ۱۳۸۸ ش.
۱۸. سیوطی، عبد الرحمن بن ابی بکر؛ الاتقان فی علوم القرآن؛ بی‌جا: انتشارات فخر دین، ۱۳۸۰ ش.
۱۹. طالقانی، محمود؛ پرتوی از قرآن؛ تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۶۲ ش.
۲۰. طباطبایی، سیدمحمد حسین؛ المیزان فی تفسیر القرآن؛ ج ۵، قم: انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه، ۱۴۱۷ ق.
۲۱. طبرسی، فضل بن حسن؛ جوامع الجامع؛ تهران: انتشارات دانشگاه تهران و مدیریت حوزه علمیه قم، ۱۳۷۷ ش.
۲۲. ———؛ مجمع البیان فی تفسیر القرآن؛ ج ۳، تهران: انتشارات ناصر خسرو، ۱۳۷۲ ش.
۲۳. طبری، محمد بن جریر؛ جامع البیان فی تفسیر القرآن؛ بیروت: دارالمعرفه، ۱۴۱۲ ق.
۲۴. طوسی، محمد بن حسن؛ التبیان فی تفسیر القرآن؛ بیروت: دار احیاء التراث العربی، بی‌تا.
۲۵. علمچی میبدی، ملیحه؛ یتیم در قرآن و حدیث؛ تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، شرکت چاپ و نشر بین الملل، ۱۳۸۱ ش.
۲۶. عیاشی، محمد بن مسعود؛ تفسیر العیاشی؛ تهران: چاپخانه علمیه، ۱۳۸۰ ق.

۲۷. فخرالدین رازی، محمد بن عمر؛ *مفاتیح الغیب*؛ ج ۳، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ ق.
۲۸. قمی، علی بن ابراهیم؛ *تفسیر القمی*؛ قم: دارالکتاب، ۱۳۶۷ ش.
۲۹. کاشانی، ملافتح الله بن شکر الله؛ *تفسیر منهج الصادقین فی الزام المخالفین*؛ تهران: کتابفروشی محمدحسن علمی، ۱۳۳۶ ش.
۳۰. کلینی، محمد بن یعقوب؛ *الکافی*؛ تصحیح و تعلیق: علی اکبر غفاری؛ ج ۵، تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۶۳ ش.
۳۱. مطهری، مرتضی؛ *مجموعه آثار استاد شهید مطهری*؛ قم: انتشارات صدرا، ۱۳۸۷ ش.
۳۲. مظاهری، حسین؛ *معاد در قرآن*؛ قم: انتشارات شفق، ۱۳۶۴ ش.
۳۳. مکارم شیرازی، ناصر و دیگران؛ *تفسیر نمونه*؛ تهران: دار الکتب الإسلامیه، ۱۳۷۴ ش.
۳۴. _____؛ *نفحات القرآن*؛ بمساعدة مجموعة من الفضلاء، قم: حوزه علمیه قم، ۱۳۶۸ ش.